



برگزاری مسابقات کشتی شال



پیشکسوت روستا تجلیل بعمل آمد.

به مناسبت گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گرانقدر و پهلوانان روستای محمدآباد در روز جمعه ۹۱/۲/۱ در محل سالن ورزشی شهدای محمدآباد مسابقات کشتی شال برگزار که با استقبال گرم و پر شور ورزشکاران، اهالی روستا و علاقمندان روبرو گشت. در این مسابقات کشتی گیران در ۴ وزن ۶۵-، ۷۵-، ۸۵- و ۸۵+ کیلوگرم به رقابت پرداختند که در پایان مسابقات نفرات ذیل به ترتیب حائز

مقامهای اول تا سوم شدند. وزن ۶۵-: ۱. امید برنا ۲. کامیل غلامی ۳. رجب ناصری/ وزن ۷۵-: ۱. اسماعیل ملکا ۲. شعبان رحیمی ۳. محمدرضا قوزدگی/ وزن ۸۵-: ۱. عسکر مرادزاده ۲. فرزاد کلنگی ۳. عزت اله محمدی/ وزن ۸۵+: ۱. محسن آخوندی ۲. امیر مازندرانی ۳. علی رایجی. همچنین در قبل از مسابقات نهایی از خانواده های پهلوانان درگذشته محمدآباد و پهلوانان

رایانامه: nashrie.navar@gmail.com

نشریه کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان، سال یازدهم، شماره ۵۱، مرداد ۱۳۹۱

کوهنوردان محمدآباد بر فراز بام ایران



میراثگاه

چند وقتی است که این مسئله فکر را مشغول کرده که چرا روستای ما با وجود موقعیت جغرافیایی که دارد نتوانسته از پتانسیلهای موجود خود به خوبی استفاده کند و زمینه برای پیشرفت و تعالی و بهبود زندگی اهالی روستا ایجاد شود. چرا باید با وجود جوانانی سالم و پویا نرخ بیکاری در روستا زیاد باشد و اکثر جوانان جویای کار موفق به پیدا کردن شغل مناسبی نباشند و به تبع آن سن ازدواج هم بالا برود که این به خودی خود باعث افسردگی و بزهکاری جوانان ما می شود. به جرأت می توان گفت که روستای محمدآباد از اول انقلاب تا کنون زحمات زیادی برای به ثمر رسیدن نهال انقلاب متحمل شده است و با اهداء تعداد زیادی شهید و جانباز و ایثارگر با آرمانهای انقلاب اعلام همبستگی کرده و نسبت به خیلی از روستاهای دیگر هزینه بیشتری کرده ولی متأسفانه کمترین دیدگاه مثبتی نسبت به روستای ما وجود ندارد.

به نظر نگارنده این شاید به عدم همبستگی و اتحاد ما اهالی روستا برگردد و همین نداشتن همبستگی و به نوعی اعتقاد نداشتن به یکدیگر است که زمینه نفاق و بی مهری افراد نسبت به هم را ایجاد می کند و این عامل می تواند مانع بزرگی باشد برای پیشرفت و تعالی افراد.

به نظر می رسد ما همیشه با توجه به دیدگاه خود با تخریب دیگران به دنبال مسائل و منافع شخصی هستیم. حال اینکه باید این اختلاف نظر ها و سلیقه ها همانند دو لبه ی قیچی باشد که با وجود این که خلاف هم حرکت می کنند ولی در عمل یک کار و هدف را دنبال می کنند و آن قطع و حل مشکلات به کمک هم است.

با کمی بازنگری در رفتارهای گذشته خود و زینهایی که در خصوص این رفتار غلط به ما وارد آمده بر آن باشیم که با کمک و همکاری و قرار گرفتن در کنار هم علیرغم خط و مشی و تفکر متفاوت نسبت به هم اصل را فدای فرع نکنیم و به آینده روستا و منافع آن در بلند مدت فکر کنیم. و از بعضی تفکرات سنتی اشتباه خود دست برداشته و میدان را برای حضور پر شور جوانان باز بگذاریم و کمی بیشتر به آنان اعتماد کنیم.

به امید روزی که مسائل جناحی بر منافع به حق روستا سایه نیندازد و بتوان درکنار هم با هر نگرشی به روستایی آباد و با نشاط برسیم.

ورزش کوهنوردی فعالیت دارد و کوهنوردان این گروه درسال گذشته به علم کوه و سال ۸۹ به سیلان صعود نموده بودند.

علیپور، مجتبی مازندرانی و حسن آذرگر تیم صعود کننده گروه کوهنوردی اوج سبز بودند که در تاریخ ۲۰ الی ۲۴ تیرماه به این مهم نائل آمدند. گروه کوهنوردی اوج سبز سالهاست که در عرصه

هفت تن از اعضای گروه کوهنوردی اوج سبز محمدآباد موفق به صعود به قله ۵۶۷۱ متری دماوند شدند. علی حمزه ای، سید یحیی حسینی، کاظم شاهکومحلی، محمدجواد رمضانپور احمد

نگاهی به حضور فروشندگان دوره گره در سطح روستا

گاز و تلغن و ... نام برد که پرداخت آنها به صورت کلی (به صورت مستقیم و غیر مستقیم) به توسعه و آبادانی روستا کمک می کند. و همچنین پولی که از بابت خرید کالا از این افراد خرج می شود به جای آنکه به دست فروشندگان و اهالی روستا برسد و در چرخه ی مالی روستا باقی بماند توسط این افراد از روستا خارج شده و روز به روز به پیکره اقتصادی روستا ضربه وارد می کند. به عنوان مثال اگر هر روز ۱۰ فروشنده دوره گرد به روستا بیایند و هر کدام روزی ۱۵ هزار تومان سود داشته باشند، روزانه ۱۵۰ هزار و ماهانه ۴/۵ میلیون و سالانه حدود ۵۴ میلیون تومان پول از چرخه ی اقتصاد روستا خارج می شود.

از دلایل دیگر استقبال از فروشنده های دوره گرد را می توان کم شدن هزینه خرید (رفت و آمد به بازار و ..) نام برد. شاید در نگاه اول اینطور به نظر برسد که مردم از وجود فروشنده های دوره گرد سود می برند و از اجناس ارزانتری استفاده می کنند و این کار به بهتر شدن وضعیت اقتصادی آنها کمک می کند. ولی اگر از بالا و دید جامع تری به این قضیه نگاه کنیم می بینیم که وجود فروشندگان دوره گرد نه تنها سودی برای مردم و اقتصاد روستا ندارد بلکه در دراز مدت به زیان اهالی واقتصاد پایدار روستا می باشد. از علل ارزان بودن اجناس این افراد می توان به ندادن مالیات، عوارض، اجاره مغازه و هزینه های آب، برق،

احتمالاً شما هم یکی از ده ها فروشنده دوره گردی که در محیط روستا بساط خود را پشت وانت یا در گوشه ای از خیابان اصلی پهن می کنند و به مردم جنس می فروشند دیده اید یا از آنها کالایی خریداری کرده اید. فروشنده های دوره گرد معمولاً آدمهای کم توقع و قانعی می باشند و این را می توان از ارزان تر فروختن اجناس نسبت به مغازه های سطح روستا و یا بازارهای دیگر و همچنین اقساطی فروختن بعضی از اجناس فهمید. فروشنده های دوره گرد اغلب به دلایل ذکر شده (ارزان تر بودن اجناس و فروش به صورت قسط) مورد استقبال اهالی روستا قرار می گیرند و همچنین



قبولی در آزمون مدرسه نمونه

مریم شعبانی دانش آموز سال اول راهنمایی با معدل ۲۰ و با قبولی در آزمون ورودی، از مهر امسال در مدرسه نمونه تحصیل خواهد کرد. نشریه ناور ضمن عرض تبریک، برای این دانش آموز عزیز آرزوی موفقیت دارد.



یکی بود یکی نبود، توی کَلوی *مَش بهبود، به مرغی بود خانوم بود، تو خونه عزیز جون بود، توی خروسای محل آرزوی این و اون بود/ پره‌ای ناز رنگ حنا، چشای درشت رنگ سیاه، تاج قشنگ عین طلا، یک دل پاک و بی ریا، خوشگل و ناز عین شما، خوشگل تر از مرغای بی چشم و روی آنتالیا، خلاصه بود خیلی نانا/ اسم این مرغ ناقلا، مجرد و سر به هوا، بودش خانوم نوک طلا/ خاطرخوای نوک طلا جون توی کلو شون، که کلو عاصی بود از شیطانیشون، بود پسر عمه‌ی ایشون/ اسم این خروسک سر به زمین پا به هوا، که مَث گریه هم از دیوار صاف می‌رفت بالا، بودش آقای تاج حنا/ تاج حنا خان یکی دوباری رفته بودش خواستگاری، اما بابای نوک طلا گفته بودش پول نداری/ تاج حنای قصه‌ی ما بی‌کار بی‌کار که نبود، دانشجو بود بنده خدا، تحصیلاتش تموم می‌شد بعدِ به سال و دو سه ماه/ لیسانس

I.T می‌گرفت، بعدش به کاری می‌گرفت، حقوق کافی می‌گرفت، ماشین سواری می‌گرفت/ اما فقط همه‌ی اینا، بعد به سال و دو سه ماه. این وسط اما یک نفر خرمگس معرکه شد، برای تاج‌حنای ما به دردمر تازه شد، درس و دانشگاه کم بودش این یکی هم هم اضافه شد/ هفت تا کوچه پایین تر از کَلوی مَش بهبود، کَلوی مَش غضنفر نامی بود/ تو کَلوی مَش غضنفر به مرغی بود پسر داشت، به قول خودش پسر نگو که یکتا تاج سر داشت، اما پسر چی کم داشت؟! یک زن خوب و ناش‌ناش/ مادر این آقا پسر، گرفته بود به مرغی رو زیر نظر، برای این پادراز کاکل به سر/ مرغی که داشت توی سرش، مرغ مامان واسه پسرش، که همش میگفت پسر زودتر بگیر و ببرش/ آگه گفتین که کی بودش آخرش؟! بله درست حدس زده‌اید، همون خانوم نوک طلا، مجرد سربه‌هوا، پره‌ای

[باران در گرگان، بحران در محمدآباد]



در پی شدت گرفتن باران در نیمه شب ۹۱/۴/۲۷ و همچنین سرازیر گشتن آب های سطحی گرگان به سوی محمدآباد باعث بروز آب گرفتگی و سیل در حاشیه جاده روستا گردید که این امر خسارات عمده‌ای به معابر، منازل مسکونی، اماکن تجاری، پارک و تأسیسات آب و برق روستا و زمینهای کشاورزی وارد آورده است. در این سیل قسمت شرقی جاده و پیاده روهای آن تا ارتفاع بلوار غرق در آب بوده و ارتفاع آب در بعضی از منازل به بیش از یک متر می‌رسید. طبق برآورد شورای اسلامی حدود ۳۰ باب مغازه، ۵۰ منزل مسکونی، ۱۵ فقره پل، معابر عمومی و پارک محلی و بالغ بر یکصد هکتار زمین کشاورزی در این سیل آسیب دیده که برآورد اولیه خسارت آن بالغ بر ۴۴۲ میلیون تومان گردیده است که گزارش آن به ستاد بحران استان تحویل شده است. شایان ذکر است با کمترین بارندگی در سطح گرگان شاهد جاری شدن سیل در داخل روستا و آبگرفتگی خانه های حاشیه جاده آق‌قلا بوده و ارتباط اهالی شرق جاده با دیگر نقاط قطع می‌گردد. حل این مشکل برنامه‌ریزی و همت مسئولین ستاد بحران استان را می‌طلبد.

گرم‌زدگی و علائم آن

علائم گرم‌زدگی چیست؟

این علائم شامل: پوست خشک و داغ - عدم تعریق - پوست ابتدا قرمز شده و سپس رنگ پریده یا کبود می‌شود - تنفس کوتاه و سریع - نبض سریع و ضعیف - افزایش دمای بدن به بیش از ۴۰ درجه - سردرد - گرفتگی عضلات - گشادی مردمک چشم - علائم روحی و روانی آن شامل: زدن سخنان بی ربط، گیجی، رفتار پرخاشگر، آشفتگی و هیجان، توهم - بی حالی، رخوت و بی حسی (واکنش های بدن بیش از حد آرام و آهسته می‌شود) و تشنج است.

علائمی که نشان می‌دهد در معرض گرم‌زدگی هستید، شامل:

ضعف و خستگی - کشیدگی و درد عضلات - استفراغ و تهوع - پوست رنگ پریده و چسبناک - دمای طبیعی بدن - گرفتگی عضلات - سرگیجه - ضعف و غش - ادرار زرد تیره یا نارنجی - سردرد و اسهال است.

درمان گرم‌زدگی

درمان فوری گرم‌زدگی

گرم‌زدگی یک فوریت پزشکی است. اگر دیدید کسی دچار گرم‌زدگی شده، فوراً یک آمبولانس خبر کنید یا هر چه سریع‌تر او را به نزدیک‌ترین بیمارستان برسانید. اولین اقدام، کاهش هر چه سریع‌تر دمای بدن فرد است.

بنابراین اولین کاری که شما باید انجام دهید این است که:

۱- لباس های فرد را درآورده و بدن او را در آب سرد فرو برید. اگر چنین امکانی وجود نداشت، با استفاده از یک پارچه یا حوله یا اسفنج، بدن فرد را با آب سرد خیس کنید یا اینکه قطعات یخ را به آرامی به بدن فرد بمالید.

اگر مقدار آبی که در اختیار دارید کم است، ابتدا سر و گردن او را خنک کنید. تکه های یخ را روی گردن، زیر بغل و کشاله ران او قرار دهید. توسط یک تکه کاغذ یا حوله یا پنکه، او را باد بزنید.

۲- بعد از حمام گرفتن، فرد را در مکان خنکی قرار دهید.

۳- پاهای فرد را در محل بالاتری نسبت به بدن او قرار دهید تا جریان خون بیشتر به طرف سر او برود.

۴- دست ها و پاهای فرد را ماساژ دهید تا خونی که خنک شده، به سمت مغز و مرکز بدن او برود.

۵- اگر شخص به هوش است، او را تشویق کنید تا کم کم آب یا یک نوشیدنی خنک بنوشد. ولی اگر شخص بی هوش باشد، نمی‌توانید این کار را انجام دهید، باید بدن او را خنک کنید تا وقتی به هوش آمد، آب بنوشد.

هنگامی هم که بدن فرد را در آب سرد فرو می‌کنید، باید مراقب باشید تا دمای بدنش کمتر از ۳۹/۵ درجه نشود. اگر هم دماسنج در اختیار نداشتید،



تا وقتی که بالمس کردن بدن او احساس می‌کنید خنک نشده، عمل خنک کردن را ادامه دهید. ولی به محض خنک شدن بدن فرد، عمل خنک کردن (در آب سرد یا به شکل دیگر) را متوقف کنید و اگر دمای بدن او مجدداً افزایش یافت، عمل خنک کردن را از نو شروع کنید.

درمان ضعف و گرفتگی عضلات ناشی از گرمای زیاد:

معمولاً این عوارض را می‌توان در منزل درمان کرد.

- فرد باید در محل خنکی در منزل استراحت کند، لباس های نازک و نخی بپوشد، لباس های اضافی خود را در آورد، بدن خود را با آب سرد بشوید یا بوسیله یک حوله خنک مرطوب نگه دارد یا تکه های یخ را به بدن خود بمالد.

- همچنین از کولر یا پنکه برای خنک کردن خود استفاده کند.

- یک نوشیدنی خنک، حاوی نمک بنوشد. مثلاً یک قاشق چایخوری یا مریاخوری نمک را در یک لیتر آب حل کند و در طی یک ساعت کم کم آن را بنوشد. همچنین می‌تواند یک قاشق غذاخوری شکر یا پودر شربت را برای افزایش کالری نوشیدنی، به آن اضافه کند. اگر فرد مسن است یا نمی‌تواند نوشیدنی شور بنوشد، باید او را به بیمارستان ببرید.

- گرفتگی عضلات را می‌توان با ماساژ دادن آنها برطرف کرد. باید روی محل گرفتگی فشار دهید و حوله ی گرمی روی آن قرار دهید. مصرف

یک نوشیدنی شور، از عود گرفتگی پیشگیری می‌کند.

- فردی که دچار این عوارض شده است، حداقل باید ۲۴ ساعت استراحت کند.



هستش اینجا، سیصد و پنجاه تومن، حقوق داره تو هر ماه/آبدارچی ای که اونجا بود، به کم هم بی دست و پا بود، شوهر نوک طلا بود/ همون که می گفت هستم مهندس نقشه‌بردار، حقوق دارم ماهانه سه هزار و سیصد دلار، رفیق‌ها هم همشون مدیرن و پیمانکار.

* کلو= لانه مرغ

همسایه با کلی پز و فیس و ادا، اومدش خواستگاری نوک طلا، شروع کرد به تعریف و تمجید و از این حرفا/ می گفت که بنده هستم مهندس نقشه‌بردار، حقوق دارم ماهانه سه هزار و سیصد دلار، رفیق‌ها هم همشون مدیرن و پیمانکار/ بالاخره بعد دو روز تحقیق و آزمایش خون، به عاقد گفتن بیا و خطبه رو بخون، تا که این دوتا جوون برن سر زندگی شون/ خطبه عقد رو خوندن، نوک طلا رو ستوندن، تاج حنارو چزوندن. خلاصه ...

بعد گذشت یک ماه، یک روزی که تاج حنا، رفت تو اداره‌ی راه، دید چهره‌ی آبدارچی، یک کمی هستش آشنا! تاج حنا بی حیا، از منشی پرسید اونجا، که چه کارست این آقا؟ منشیه گفت این آقا، آبدارچی

ناز رنگ حنا، چشای درشت رنگ سیاه، تاج قشنگ عین طلا، همون که بود خیلی نانا/ معرف نوک طلا جون، به کلوی همسایه شون، بودش شوهر عمه‌ی ایشون، که کلی هم تعریف می کرد از خروس همسایه شون/ هی میگفت: این خروس همسایه یه کار عالی که داره، حساب جاری که داره، ملک تجاری که داره، ویزای اون ور آبی که داره، بازم بگم که چی داره چی نداره؟ ولی این تاج حنا یه لاقب، تو بگو که چی داره تو رو به خدا؟، یه دونه مدرک I.T میگیره، که اونم بعد یه سال و دو سه ماه/ اما این خروس همسایه مهندس، داره لیسانس هندسه، پولش به میلیون میرسه/ خلاصه بعد یه کم برو بیا، که خانوم نوک طلا هی میگفت امروز برو فردا بیا، تو شب بیست و سه آبان ماه، قرار خواستگاری شد برپا/ خروس

کَلَه کَشَد

جلوی درش خیلی شلوغ بود جای سوزن انداختن نبوده‌رو تاسالش پر جمعیت و هراز چندگاهی افرادی زیر دست و پا له میشدند و روی دست اهالی به بیرون هدایت میشدند.....

خلاصه به هریدبختی که بود خودمونو به مخزن کتابخانه رساندیم و دراونجا نسخه ای خطی از یک کتاب تاریخی نظرمارو به خودش جلب کرد و صفحه ای از آن روافاقی باز کردیم که ای کاش دست ما میشکست و بازش نمیکردیم. در آن صفحه از کتاب آمده بود که.....

«کنده شاه، شاه شاهان، پادشاه صاحب مقام در سفر به سرزمین های خود چو به هر شهر و روستایی برسد مردمان آنجا به استقبالش بیامدند و از برای ورودش گوسفندانی سر بریدند و جشن ها بگرفتند. از قضا روزی پادشاه که سوار بر یابوی خوش قد و بالایی بود از منطقه ای دریک فرسخی شمال استرآباد در حال گذر بود که به روستایی نزدیک شد و چون از خصلت مردمان آن منطقه آگاه نبود به خیالش اهالی منتظر وی هستند تا از پادشاهشان استقبال کنند. چون پادشاه وارد آن ده شد خبری از استقبال نبود و بچه های روستا که بگفته خود اهالی (آتش آنجای کافرند) با دیدن یابوی خوش قد و بالای پادشاه با چوبی فلان جای یابوی بیچاره راسخ بکردند و چو این کار بکردند بابو افسار گسیخت و پادشاه بیچاره را بکند و از بخت بدش او را در مرکز ده به زمین بیفکند و اهالی چو این واقعه بدیدند بسیار بخندیدند و لقب یابو بر وی گماردند و از آن پس پادشاه را کنده یابو بخواندند و.....»

این هم سند مکتوبی بود از تاریخچه لقب گذاری در روستا

جدا در تقدیر و تشکر کنیم از تمام کسانی که این سنت حسنه!!!! را سینه به سینه حفظ کردن و یک لحظه دست از مسخره کردن دیگران برنداشته اند.

تذکر: به کسانی هم که تا بحال لقبی برایشان گذاشته نشده خواهشمنداست از دادن هرگونه سوتی و گاف در مکان های پر تردد و شلوغ روستا (نانوایی، چهارراه فاطمیه و.....) جدا خودداری بفرمایند تا یک عمر خود و خانواده تان از القاب ناپسند مصون بمانید.

ماکه جرأت نصیحت کردن نداریم ولی آگه خدا روی می‌رسید تو قرآنش گفته:

« ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنان دیگران را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید »

{سوره حجرات، آیه ۱۱}

عابر شیشه ای

گر تو این انبان ز نان خالی کنی پر ز گوهرهای اجلالی کنی

این عبادت، ظاهرا تفاوتی میان اسلام و دیگر ادیان وجود ندارد. زیرا به نظر می رسد هدف از روزه گرفتن در همه ادیان الهی، پرهیز از جنبه های مادی زندگی و پرداختن به معنویات است. بر همین اساس است که خداوند در ادامه آیه صوم (سوره بقره، آیه ۱۸۳) می فرماید: «لعلکم تتقون» - باشد که تقوی پیشه کنید - و یا اینکه آن را «خیر» تلقی می کند و می فرماید «ان تصوموا خیر لکم» - اگر روزه بگیرید برای شما خیر و نیکی است - (سوره بقره، آیه ۱۸۴). در هر حال، فارغ از هر گونه تحلیل اجتماعی و سیاسی، هدف از روزه و روزه داری، تأکید بر معنویت است و تقدس و تعالی و فراهم آوردن زمینه ارتقاء روحی و معنوی انسان روزه دار. گویی ماه مبارک رمضان تمرینی است برای اینکه انسان روزه دار، اعمال خود را اصلاح کند، از دنیا و امور دنیوی کم و بیش فاصله بگیرد و اینگونه جان خود را پذیرای دریافت پیام معنوی حق تعالی کند. بر همین اساس است که حضرت مولانا می فرماید: گر تو این انبان ز نان خالی کنی / پر ز گوهرهای اجلالی کنی. و شیخ شیرازی سروده است: اندرون از طعام خالی دار / تا در آن نور معرفت بینی.

موقعی گاه حتی اطفال را از خوردن غذا و چهارپایان را از چرا باز می داشته اند. زمان این روزه نیز یک روز تمام (از غروب خورشید تا غروب روز بعد) بوده است. این نوع روزه داری را «تعینت» می خوانده اند. مقارن میلاد حضرت مسیح نوعی دیگر از روزه رواج داشته است و آن روزه صمت (سکوت) بوده است. به این معنی که فرد روزه دار مدت زمان معینی را از سخن گفتن خودداری می کرده است. در داستان حضرت مریم آمده است که خداوند به او فرمود «فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا» - بگو من نذر کرده ام تا برای خداوند روزه بگیرم و امروز با هیچکس سخن نخواهم گفت - (سوره مریم، آیه ۲۶). روزه سکوت را اصطلاحاً «روزه مریم» نیز نامیده اند.

اما روزه در اسلام به لحاظ فرم و محتوا با ادیان دیگر تفاوت هایی دارد: نخست اینکه ماه خاصی به آن اختصاص یافته و مسلمانان باید روزه های این ماه را روزه بگیرند. دیگر اینکه روزه گرفتن در اسلام نسبتی با بلایا و مصائب ندارد؛ میهمانی خداست و با نوعی سرور و شادی آمیخته است. اما به لحاظ هدف از وضع

اصطلاح «روزه» و «روزه گرفتن» که در زبان فارسی به کار می رود، معادل های خوبی برای واژه عربی و قرآنی «صوم» به معنی امساک کردن از خوردن و آشامیدن و برخی امور دیگر نیستند. «روزه گرفتن» یعنی حساب روزه های ماه را نگاه داشتن. و ظاهراً به این دلیل رایج شده که مردم در ماه رمضان حساب روزها را نگاه می دارند. ماه رمضان را هم به همین دلیل «ماه روزه» گفته اند.

رسم روزه به عنوان یک فریضه دینی در ادیان دیگر نیز سابقه دارد. قرآن هم به این موضوع اشاره کرده است که «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم» - روزه گرفتن بر شما واجب شد همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، نیز واجب شده بود (سوره بقره، آیه ۱۸۳). البته جزئیات این فریضه دینی در همه ادیان یکسان نبوده است: اصولاً در ادیان دیگر، به عنوان مثال در میان یهود، رسم بوده است که هنگام رخ دادن انذوه یا مصیبتی بزرگ و غیر مترقبه روزه می گرفته اند. ظاهراً فلسفه چنین روزه گرفتنی اظهار عجز و تواضع در برابر خداوند، اعتراف به گناهان و کسب رضایت پروردگار بوده است. آنان در چنین

دهه هفتادی ها

دهه ی هفتاد، دهه ی متفاوت بود با دهه ی شصت و پنجاه و دهه هفتاده دهه ای بود که توش اتفاق خاصی نداشت که راحت بتونیم احساسش کنیم و ببینیم، یعنی نه جنگی داشت، نه انقلابی و نه چیز دیگه ای و خلاصه دهه ی بی حاشیه ای بود اما یکی از اتفاقات عجیبی که توش افتاد عصر دیجیتال بود که در دهه ی هفتاد توی ایران اتفاق افتاد و فراگیر شد



یادمه ۱۰-۱۱ سال که داشتم، هر جمعه که میشد بعد از صبحانه که اونم معلوم نبود بخورم یا نه، تند تند مشق ها رو مینوشتم تا با پسر عمو و پسر عمه هام بریم خانه نجان (مادر بزرگ) تا اونجا بازی هایی مثل، گل مال چلیک بازی و پیش کنی و چهارآجره و شاید فوتبال با تیرکهایی که آجر و سنگ بود و توپ دولایه ی پلاستیکی و خیلی بازی های دیگه، بازی هایی که شاید الان بچه های ۱۰-۱۱ ساله اسمشو نتونن به زبون بیارن و تلفظ کنن و حتی بویی این بازی ها هم از توی کوچه ها و خانه و حتی از فکر دهه ی هفتادی ها رد نمیشه یا تابستان ها وقتی کارنامه می گرفتیم و ۲۰ و ۱۹ ها رو میدیدم دیگه همه چیز حل بود، غروب همون روز گرفتن کارنامه مادر مون رو مجبور میکردیم که باید

بیای بریم دوچرخه رو باد کنیم تا فردا صبح از رفقا جا نمونیم! دوچرخه هایی که کل روز رو باهاش می گذروندیم و با همه مسابقه میداشتیم و آژانس دوچرخه ای داشتیم و گروهی میشدیم و بقول خودما پیش کنی با چرخ و داشتیم، این دوچرخه بود که ما و دنیای مارو بزرگ کرد و ما رو به جاهایی که ندیده بودیم برد و سرعت ما رو واسه کشف روستامون بیشتر میکرد. یار باوقایی بودند که راه رو با ما میومدند، اما وسط راه زنجیر مینداختن و مجبور بودیم پیاده شیم و زنجیر محترم رو جا بندازیم و یا پنجر میشد و وسط راه پیاده ولمون میکرد و مجبور بودیم تا خانه بکشیمش و کل روز رو بهش بی محلی کنیم! و بعد از چند روز بریم آپارانی تا با چسب و وصله واسمون درستش کنه و فردا روز از نو و روزی از نو! اما این دهه ی ۸۰ و ۹۰ چه بلایی سر ما آورده که هیچ وقت نمیتونیم با دوچرخه رفیق باشیم و باهاش بریم مسابقه و روستا گردی و خیلی کارهای دیگه!

الان دوره ای شده، وقتی مادر به بچه ش میگه پسر گلم پاشو برو نون بخور، بچه با داد میگه، ول کن



ناور: نشریه کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان؛ تحت نظارت دبیرخانه کانونهای مساجد استان گلستان
همکاران این شماره:
ابوالقاسم سالاری، مجتبی مازندرانی، محمدرضا خورشیدکلایی، مسعود حمزه‌ای، محسن حمزه‌ای

با تشکر از همه عزیزانی که پیامک زدند.

شماره پیامک
۵۹۳۶ ۹۷۶ ۸۹۳۵

قصد داریم از شماره آینده نشریه را در قالب مجله و بصورت فصلی (هر سه ماه یکبار) به چاپ برسانیم و برای این کار نیازمند همراهی و همیاری همه علاقمندان در این زمینه هستیم و حضورشان را به گرمی پذیراییم.

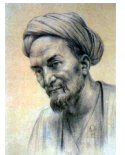
navar.mihanblog.com

نشریه کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان، سال یازدهم، شماره ۵۱، مرداد ۱۳۹۱

۴

مسابقه پیامک

از گلستان من بپرو فری



گر جور شکم نیستی هیچ مرغ در دام صیاد نیفتادی بلکه صیاد خود دام ننهادی. حکیمان دیر دیر خورند و عابدان نیم سیر و زاهدان سد رمق و جوانان تا طبق برگیرند و پیران تا عرق بکنند. اما قلندران چندانکه در معده جای نفس نماند و بر سفره روزی کس. اسیر بند شکم را دو شب نگیرد خواب شبی ز معده سنگی شبی ز دلتنگی

آیا می‌دانید معادل محمدآبادی واژه‌ی «سَمْتُ» چیست؟ پاسخ خود را به شماره نشریه (۰۹۳۶۹۷۶۸۹۳۵) ارسال و در صورت دسترسی نداشتن به تلفن همراه کتاباً به دفتر نشریه (جنب کتابخانه) تحویل نمایید. جواب مسابقه شماره قبل: چرت زدن = پینیکی، پینیکی تفتن، پینیکی زدن. تعداد ۱۲۱ نفر در مسابقه شرکت کردند که از این تعداد ۱۰۰ نفر به سوال درست جواب داده و نفرات ذیل به قید قرعه برنده شدند. محمد هادی شعبانی، معصومه حسن‌نژاد، رجب ناصری، مریم رمضانپور و سید احمد حسینی

پیامک

۲۸۴۴ ... ۰۹۱۱ : مولای من نگویمت که بیا دست من بگیر، عمریست گرفته‌ای مبارها کنی.
۵۴۹۹ ... ۰۹۱۱ : نه تو مانی و نه اندوه و نه هیچ یک از مردم این آبادی، به حباب نگران لب رود قسم و به کوتاهی آن لحظه شادی که گذشت، غصه هم خواهد رفت، آنچنانی که خاطره‌ها خواهد ماند، لحظه‌ها عریانند به تن خود جامه اندوه مپوشان هرگز.
- نیکی هنری نیست به امید تلافی، احسان به کسی کن که به کار تو نیاید.
- بی خبر از حال هم بودن چه سود؟ بر مزار مردگان خویش نالیدن چه سود؟ زنده را تا زنده است باید به فریاد رسید، ورنه بر سنگ مزارش آب پاشیدن چه سود؟ گر نپرسی حال من تا زنده‌ام، گریه و زاری و نالیدن چه سود؟ زنده را در زندگی قدرش بدان، ورنه سیاه برای مرده پوشیدن چه سود؟ گر نکردی یاد من تا زنده‌ام، سنگ مرمر روی قبرم وانهاده‌ها چه سود؟
- زندگی را نخواهیم فهمید اگر دیگر آرزو کردن و رویا دیدن را از یاد ببریم و جرات زندگی بهتر داشتن را به لب تاقچه به فراموشی بسپاریم فقط به این خاطر که در گذشته یک چند تا از آرزوهایمان اجابت نشدند.
- همه چیز در زندگی یک هدیه از سوی خداوند است، پس به چه چیز مغروریم؟
- کاش همیشه در کودکیان می‌ماندیم تا به جای دل‌هایمان سر زانوهایمان زخمی می‌شد.
- چارلی چاپلین می‌گوید: پس از کلی فقر به ثروت و شهرت رسیدم و آموختم که با پول می‌شود خانه خرید ولی آشیانه نه. رختخواب خرید ولی خواب نه، ساعت خرید ولی زمان نه، مقام خرید ولی احترام نه، کتاب خرید ولی دانش نه، دارو خرید ولی سلامتی نه، آدم خرید اما دل نه.

۴۳۵۸ ... ۰۹۱۱ : سلام. شما انتقاد از شورا را اصلاً قبول ندارید و به صحبت‌های کسبه محل توجه نمی‌کنید. محمدآباد روستای کوچکی است و ما به امید خرید مردم و توکل بر خدا و رفاه مردم مغازه باز کردیم ولی متأسفانه با جلوگیری نکردن و پیگیری نکردن شورا همه مغازه دارها باید مغازه‌ها را جمع کنند چون تا وقتی بیگانه هر روز هفته بساط داره کاسبی ما تعطیل می‌باشد. شماره قبل چند مغازه دار با هم پیامک زدیم اما متأسفانه بی‌فایده بود. پس لاف‌ها را بیان کنید. با تشکر
۱۲۶۳ ... ۰۹۳۵ : گاهی درست در لحظه سقوط فرصت پرواز هم هست. انتخاب با توست.

۷۰۲۵ ... ۰۹۱۱ : دائم شکرگذار خدا باشیم که شاید بدترین شرایط زندگی برای ما برای دیگران آرزو باشد.
۱۶۹۹ ... ۰۹۱۱ : حال که میدانی روزی پروانه میشوی بگذار روزگار هر چه می‌خواهد پیل کند.
۵۴۲۵ ... ۰۹۱۱ : لطفاً یک جدول هم در ناور بگنجانید.
۵۰۸۲ ... ۰۹۳۹ : با سلام، این حرکت فرهنگی شما واقعاً قابل تقدیر است. فقط اگر مطالب و محتویات آنرا افزایش دهید و در ارتباط با تنوع و نوع فعالیت‌ها تمرکز بیشتری کنید کارتان کیفیت بهتری خواهد داشت. ح. گ.
۶۲۲۷ ... ۰۹۱۱ : سلام نشریه تون خوبه اما شماره ۵۰ چرت بود. من ۱۲ سالمه
۸۲۴۴ ... ۰۹۱۱ : مردم اغلب بی‌انصاف، بی‌منطق و خود محورند ولی آنان را ببخش. اگر مهربان باشی تو را به داشتن انگیزه‌های پنهان متهم می‌کنند ولی مهربان باش. اگر شریف و درستکار باشی فریب می‌دهند ولی شریف و درستکار باش. نیکوهای امروزت را فراموش می‌کنند ولی نیکوکار باش، بهترین‌های خود به دنیا ببخش حتی اگر هیچگاه کافی نباشد و در نهایت می‌بینی که هر آنچه هست همواره میان تو و خداوند است نه میان تو و مردم.
۰۷۵۶ ... ۰۹۱۱ : با سلام، محمدآباد از لحاظ درآمد از روستاهای اطراف صد قدم جلوتره ولی از لحاظ کارهای عمرانی که انجام می‌شود هزار قدم عقبتره. چرا کسی به فکر عمران روستا نیست؟ با تشکر

جوابیه شورای اسلامی:

با تشکر از این هم محلی عزیز، همانطور که در پیامک گفته شده شورای اسلامی و باطن روستای محمدآباد دارای درآمد از محل آب بندها است و توقع بر این است که وضعیت رفاهی و عمرانی روستا از روستاهای همجوار بهتر بوده و امکانات بیشتری داشته باشد ولی سوآلی که مطرح می‌شود این است که محمدآباد از نظر امکانات از کدام روستای همجوار عقب مانده تر است و کدام روستای همجوار در بهره‌مندی از امکانات رفاهی مانند مخابرات، برق، آب، گاز و ... از محمدآباد جلوتر بوده. جهت اطلاع این عزیز و دیگر هم محلی‌ها، شایان ذکر است روستای محمدآباد همواره از اولین روستاها در بهره‌مندی از این امکانات بوده و این میسر نبوده جز با تلاش مسئولین و از محل همین درآمدها.

اهم اقدامات عمرانی انجام شده: اجرای طرح هادی و تعریض خیابانها، آسفالت خیابانهای اصلی روستا، جمع‌آوری فاضلاب و آبهای سطحی، احداث جوی بتنی در دوطرف حاشیه جاده بطور ۲۶۰۰ متر، احداث پارک خطی بطول ۵۰۰ و عرض ۱۵ متر، احداث نمازخانه بین‌راهی و سرویس بهداشتی، احداث ساختمان دهیاری (در دست اقدام)، احداث پایگاه اورژانس ۱۱۵ جاده‌ای، احداث کتابخانه عمومی، احداث بوستان محلی به مساحت ۲/۵ هکتار (در دست اقدام) احداث سالن ورزشی که در سطح روستاهای منطقه بی نظیر است، احداث آب بندها شماره ۲، شن‌ریزی معابر در اکثر سالها در فصل زمستان.

{ معرفی سایت }

www.
portableapps
.com

بعضی اوقات ممکنه واستون پیش آمده باشه که بخواید یه نرم افزار رو روی سیستم نصب کنید، اما فضای خالی برای نصب این عزیز دلشکسته ندارید و اطلاعات هارد هم مربوط به اسرار جنگ جهانی دومه و قابل پاک شدن نیست! یا در کل حسش نیست برید یه DVD بخرید و نصب کنید و کلی فضا رو بگیره که چی؟ می‌خوای یه آفیس، یا فتوشاپ یا فایر فاکس یا داشته باشی! اینجور موقع هاس که نرم افزارهای پرتابل با اسب سفید شاخ دار میاد.

نرم افزار پرتابل نرم افزاریه که برای اجرا شدن نیازی به نصب نداره، در ضمن شما با ریختن این نرم افزارها روی فلش می‌تونید توی هر سیستمی بدون نیاز به نصب ازشون استفاده کنید و با خیال راحت به کارتون برسید و اینکه تنظیمات هر نرم افزاری همیشه همراهتون هست



گل‌سرای آویشن

دسته گل، گل آرایی، سبد حنا، ماشین عروس



با تخفیف ویژه برای
اهالی روستای محمدآباد

گرگانجدید اول، پایین تر از مسجد قائم

تلفن: ۲۲۴۳۸۴۱، ۳۷۵ ۷۸۱۵ ۰۹۱۱

جعفرآبادی